

شرح‌های مثنوی در آناتولی

دکتر علی گزل‌یوز*

مثنوی، اثر نامی و شش جلدی مولانا جلال‌الدین است که از ۲۵۶۳۲ بیت تشکیل شده است.^۱ برای درک و فهم معنی مثنوی، شرح‌های متعددی بر آن نوشته شده است. در آناتولی نخستین شرح‌ها در قرن پانزدهم میلادی تألیف شده است.

«مولوی ابراهیم‌بیگ» که اولین شارح مثنوی در آناتولی محسوب می‌شود، ۱۷ حکایت مثنوی را به شکل منظوم شرح کرده است.^۲ این اثر متشکل از ۲۳۷۷ بیت است و به

* استاد دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، رشته زبان و ادبیات فارسی.

۱. شماره ابیات مثنوی در نسخه‌های خطی مختلف بین ۲۵۵۸۵ تا ۲۶۶۶۰ است و در نسخه‌های خطی منطقه هندوستان به ۳۰ هزار بیت می‌رسد. ولی در نسخه نیکلسون که مقبول عام است، شماره ابیات ۲۵۶۳۲ است. نک.

Nicholson, R.A., *The Mathnawi of Jalaluddin Rumi, I-VIII*, Leiden 1925-1940.

۲. نسخه خطی منحصر به فرد این اثر در استانبول در کتابخانه حاجی سلیم آغا، در بخش کمانکش امیر خواجه، با شماره ۲۵۰ در برگ‌های ۱۲۲-۱۰۷ اب ثبت شده است.

تحلیل عرفانی موضوع حکایت‌های انتخاب شده می‌پردازد.^۳

یکی دیگر از نخستین مترجمین و شارحین مثنوی، «شیخ معین‌الدین بن مصطفی» است. وی در عین حال از نخستین شاعران مولویه که پس از مولانا پرورش یافته اند، به شمار می‌آید و تخلصش «معینی» است. معینی جلد اول مثنوی را با نام «معنوی مرادیه» در دو جلد، به شکل شعر و در همان وزن مثنوی مولانا ترجمه و شرح کرده است. این کتاب در سال ۸۴۰ هجری (۱۴۳۶ میلادی) به پایان رسیده و نویسنده، آن را به سلطان عثمانی، «مراد دوم» تقدیم کرده است.^۴ این اثر از نظر فن ترجمه و شرح، بهتر از شرح مولوی ابراهیم بیگ است و با زبانی ساده تألیف شده.

«شیخ علی بن مجدالدین الشاهرودی» که به «مصنّفک» معروف است، در عهد سلطان محمد فاتح، در سال ۸۴۵ هجری به قارامان سفر کرد و چون علاقه مردم قارامان نسبت به مثنوی را دید، بعضی از بخش های مثنوی را به فارسی شرح و به بیگ قارامان اوغلو، «سلطان ابراهیم بن محمد بن علاءالدین» تقدیم کرد.^۵

«شاهدی ابراهیم دده» نیز از هر جلد مثنوی، یکصد بیت انتخاب کرده و در اثر فارسی خود که «گلشن توحید» نام دارد، شرح کرده است. در این کتاب هر بیت، با پنج بیت به شکل شعر و در همان وزن مثنوی مولانا شرح و توضیح داده شده است. این اثر در سال ۱۸۷۸م. در استانبول چاپ شده و آقای مدحت بهاری بیتور در سال ۱۹۶۷ آن را به ترکی برگردانده است.^۶

«گلیبولولو سروری مصلح‌الدین مصطفی افندی» برای نخستین بار مثنوی را در قرن

3. Ismail Guleç, "Türk Edebiyatında Mesnevî Tercume ve Serhleri", Journal of Turkish studies, 27/II, p.161-176, Harvard 2003.

۴. نسخه خطی این اثر در کتابخانه آثار خطی و چاپی قدیم بورسا، در بخش اولو جامع، با شماره ۱۶۶۴-۱۶۶۵ نگهداری می‌شود. آقای پروفیسور دکتر کمال یاروز نزدیک به ۳۰۰۰ بیت از این شرح را منتشر کرده است. نک.

Kemal Yavuz, Mesnevî-i Murâdiye, Ankara, 1982.

۵. نسخه خطی مؤلف این اثر در کتابخانه سلیمانیه در استانبول نگهداری می‌شود. دکتر مصطفی چیچکدر در تحقیق و نشر این اثر کوشش می‌کند.

6. Semih Ceyhan, mesnevî, TDV Islâm Ansiklopedisi, c.29, s. 325-334, Ankara, 2004.

شانزدهم میلادی به طور کامل به فارسی شرح کرده است.^۷ این شرح که محدود و منحصر به تحلیل ابیات از نظر دستور زبان و توضیح حکایات است، از لحاظ شرح عرفانی ضعیف است. در بسیاری از منابع نوشته شده است که «سودی بوسنوی» هم مثنوی را به ترکی شرح کرده است، ولی در تمام کاتالوگ‌های آثار خطی به هیچ گونه ثبتي از این اثر بر نخوردیم. سودی اثری به نام «رسالة مشکلات و اصطلاحات مثنوی» تألیف کرده است. «مصطفی شمعی أفندی» هم بین سال‌های ۹۹۵-۱۰۰۱ هجری (۱۵۸۷-۱۵۹۲ میلادی) شرح کاملی بر مثنوی به ترکی تألیف نموده^۸ که نسبت به شرح‌های قبل، شهرت بیشتری پیدا کرده است.

«اسماعیل رُسوخی أنقروی» در کتاب «مجموعه اللطائف و معمورة المعارف» تمام مثنوی را شرح کرده است.^۹ در میان شرح‌های ترکی، این شرح بیش از شروح دیگر مورد قبول و پذیرش قرار گرفته است. أنقروی در مقدمه کتاب خود می‌گوید که مثنوی را بر اساس منابع علوم اسلامی که شمار آنها بیش از چهل اثر است، از لحاظ عرفانی شرح کرده است. وی در میان این منابع، کتاب «فتوحات مکیه» ابن عربی را بیش از همه به کار برده است. أنقروی در اثر خود از یک سو افکار مولانا را توضیح داده و از سوی دیگر پایه‌های عمومی تصوف را با بیانی ساده تبیین کرده است، ولی به علت اینکه در شرح مثنوی تا اندازه زیادی تحت تأثیر ابن عربی قرار گرفته و از افکار وی پیروی کرده، موجب شده است تا مردم، مولانا و مثنوی را به شکلی متفاوت از آنچه به واقع هست، بشناسند. در حقیقت، آنچنان که از شواهد بر می‌آید، افکار و آرای محی‌الدین بن عربی و مولانا جلال‌الدین به هم نزدیک است، ولی در برخی از اصول از هم متفاوتند. تصوف ابن عربی که نظریه وحدت وجود را پایه‌ریزی کرده، تصوفی فلسفی و نظری است که بر عرفان و معرفت متکی شده است، ولی به نظر مولانا، پایه‌های تصوف، حالات عشق،

۷. نسخه خطی این اثر در استانبول، در کتابخانه سلیمانیه، در بخش حسن حسنی پاشا، با شماره ۶۸۶ ثبت شده است.

۸. نسخه‌های مؤلف این اثر در کتابخانه دولتی بایزید و در کتابخانه سلیمانیه نگهداری می‌شود.

۹. آنقروی جلد هفتم مثنوی را که تألیف مولانا نیست، نیز شرح کرده و بدین سبب با انتقاداتی روبرو شده است.

جذب و وجد است. گرایش به شرح مثنوی از منظر آراء و افکار محی‌الدین بن عربی، قبل از آنقروی شروع شده بود، ولی آنقروی آخرین شکل این نوع شرح‌ها را پایه‌ریزی کرده است. این‌گونه شرح‌ها پس از آنقروی همچنان ادامه یافت.^{۱۱} این شرح در قاهره و استانبول بارها به چاپ رسیده و بنا بر خواهش مولویان دمشق، «جنگی یوسف دده» آن را به نام «المنهج القوی لطلاب المثنوی» به عربی برگردانده است؛ با همت «عصمت ستارزاده» نیز با نام «شرح کبیر آنقروی بر مثنوی معنوی مولوی» به فارسی ترجمه شده است.^{۱۱}

«عبدالمجید سیواسی» ۱۳۲۸ بیت از جلد اول مثنوی را به اسم «شرح جزیره المثنوی» شرح کرده است. سیواسی شرح‌هایی را که در عهد او تألیف شده، کافی نمی‌بیند و می‌گوید برای اینکه توضیح بدهد هر بیت به کدام مقام، آیه یا حدیث نبوی دلالت می‌کند و نیز برای اینکه مبتدیان این راه، مثنوی را به آسانی فهم و درک کنند، به شرح آن مبادرت کرده است.^{۱۲}

«اشرفی پیر محمد مولوی» نیز چهار جلد اول مثنوی را با نام «خزینة الأبرار» شرح کرده است. «صادری عبدالله أفندی» هم جلد اول مثنوی را به نام «جواهر بواهر مثنوی» شرح کرده است. این اثر که در پنج جلد چاپ شده، نه تنها شرح مثنوی بلکه دایرة‌المعارف تصوف است.

کتاب «روح المثنوی»^{۱۳} تألیف «اسماعیل حقی بورسوی»، شرح بسیار مفصلی (به ترکی) بر ۷۳۸ بیت از جلد اول مثنوی است. بورسوی در پایان اثر خود می‌گوید که برای

10. Erhan Yetik, Ankaravî, İsmâil Rusûhî, TDV İslâm Ansiklopedisi, c. 3, s. 211-213, İstanbul, 1991.

۱۱. اصل ترکی این اثر سال‌های ۱۲۲۱، ۱۲۴۲ و ۱۲۵۱ در قاهره؛ سال‌های ۱۲۵۷ و ۱۲۸۹ نیز در استانبول؛ ترجمه عربی، سال ۱۲۸۹ در قاهره و ترجمه فارسی‌اش سال ۱۳۴۸ در تهران به چاپ رسیده است.

12. Abdulmecîd-i Sivâsî, Serh-i Mesnevî, Beyazit Devlet Kutuphanesi, Veliyyuddin 1651, v. 3^b.

۱۳. این اثر سال ۱۲۸۷ در استانبول در دو جلد به چاپ رسیده است.

فهم و درک معنی تمام مثنوی، شرح این ۷۳۸ بیت کافی است. شیخ نقشبندی، «محمد مراد آفندی»، نیز در کتاب «خلاصه الروح»^{۱۴} تمام مثنوی را شرح کرده است.

مصطفی شمعی دده مثنوی را به نثر و با اختصار در شش جلد شرح کرده است، اما «صوبحی احمد بن محمد» که یکی از خدمتگزاران بنام «مولویخانه بینی قاپی» است، بنا به خواست بعضی از مریدان و دوستان، آیات و احادیث مثنوی و بعضی از ابیات مشکل آن را در اثر «اختیارات حضرت مثنوی شریف» به ترکی توضیح داده و شرح کرده است. فرق این شرح با شرح های دیگر، در کاربرد فراوان آیات و احادیث است.

«شفائی محمد دده» و «شیخ مراد بخاری» نیز شرح هایی مختصر بر مثنوی نوشته اند. یکی دیگر از شرح های نام آور مثنوی به ترکی در دوره اخیر، شرح «عابدین پاشا» است. وی جلد اول مثنوی را در شش جلد شرح کرده که بین سال های ۱۳۰۳-۱۳۲۶ در استانبول به چاپ رسیده است. در این اثر اولین بیت مثنوی در ۲۶ صفحه و هر یک از بیت های دیگر در نیم صفحه شرح شده است. در آخر هر جلد نیز فهرستی موجود است. وجه تمایز شرح «عابدین پاشا» از شرح های دیگر، در موارد ذیل خلاصه می شود:

۱. بعضی از شرح ها درباره مولویه و دستورات اساسی آن تألیف شده است. ولی در این شرح تصوف در معنا و ساختار کلی خود به کار رفته و به هیچ طریقتی جایگاه خاصی داده نشده است.

۲. این شرح بسیار واضح و ساده است و اقشار مختلف مردم به آسانی می توانند از آن استفاده کنند. عابدین پاشا تمام ابیات را جداگانه شرح کرده و علاوه بر این در جاهای لازم توضیحات مفصلی داده است.

۳. در شرح مذکور حلقه ایمان و اسلام به عنوان محور اصلی آرای مولانا اتخاذ شده؛ اما در مسأله های اساسی به افکار و آرای اندیشمندان غربی نیز پرداخته شده است و برای شرح و بسط مطالب از آثار متفکران غربی چون سقراط، افلاطون، نیوتن، ولتر و

۱۴. نسخه خطی این اثر که ۶ جلد است، در کتابخانه دانشگاه استانبول در قسمت مخطوطات ترکی با شماره های ۶۳۰۹ تا ۶۳۱۴ ثبت شده است.

نویسندگانی چون شکسپیر اقتباس شده است.

۴. این شرح، شرح بسیار مفصلی نیست و در ضمن آن از اصطلاحات فنی هم استفاده نشده؛ گویا مثنوی با همان زبان شعری دوباره به شکل نثر و با زبانی بسیار روان و ساده تألیف شده است.

۵. در این شرح تلاش مؤلف بر آن بوده است که دو مکتب مختلف «اهل ظاهر» و «اهل باطن»، «تصوف» و «کلام» و یا «عقل» و «دل» که صدها قرن است در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند، با هم تلاقی و آشتی کنند. در ضمن، علی‌رغم اینکه محور اساسی در شرح ابیات، تصوف است، از شیوه‌ای مبنی بر عقل پیروی شده است.

«احمد عونى قونوق» نیز تمام مثنوی را در ۳۴ دفتر شرح کرده است. وی قبل از آغاز کردن شرح مثنوی، شرح‌های ترکی و هندی را بررسی و مطالعه کرده است. او در اثر خود از «فتوحات مکیه» محی‌الدین بن عربی سود جسته است؛ بدین سبب این شرح، مفصلترین و مؤثرترین شرح مثنوی محسوب می‌شود. قونوق برخی از مهمترین ابیات مثنوی را با استناد به «فیه ما فیه» مولانا شرح کرده است. وی در مقدمه اثر خود می‌گوید که متن نسخه «اسماعیل رُسوخى أنقروى» را اساس کار خود قرار داده، به آثار شارحان هندی مانند «امدادالله»، «بحرالعلوم عبدالعلی»، «ولی محمد اکبرآبادی» و «قبد الرحمن لکنوی» مراجعه کرده و بر آن بوده است که شرح بسیاری از ابیات به درازا نکشد.^{۱۵} نسخه‌های خطی این اثر در کتابخانه موزه مولانا و در کتابخانه قوجا راغب پاشا موجود است. از سال ۲۰۰۴ تا به حال، پنج جلد از این کتاب در استانبول به چاپ رسیده و جلد ششم هم در دست چاپ است.

یکی دیگر از شارحین مثنوی «طاهر المولوی» است. وی بعد از فوت استادش، «محمد اسند افندی»، تدریس مثنوی را در جامع فاتح در استانبول آغاز کرد و ملاحظات

15. A. Avni Konuk, Mesnevî-i Serif Serhi, I, yayına hazırlayanlar: Dr. Selcuk Eraydin-Prof. Dr. Mustafa Tahralli, Istanbul 2004, s. 29-56.

درسی‌ای که به نام «تقریرات مثنوی» تهیه می‌کرد، اساس شکل‌گیری این شرح را به وجود آورده است.^{۱۶} او فقط شرح چهار جلد اول مثنوی را به پایان رسانده و پس از شرح نزدیک به هزار بیت از جلد پنجم، فوت کرده است.^{۱۷} این اثر از سال ۱۹۶۳ به بعد در استانبول به چاپ رسیده است و نسخه خطی آن در کتابخانه موزه مولانا نگهداری می‌شود. طاهر المولوی هنگام شرح، ابتدا اصل فارسی بیت را می‌نویسد، بعد تلفظ آن را به ترکی می‌دهد، سپس متن فارسی را به ترکی ترجمه می‌کند و در آخر دشواری‌های بیت را شرح و توضیح می‌دهد. او در شرح خود به اندازه فراوانی از آیات و احادیث استفاده کرده است.

«محمد مخلص قونر» می‌گوید که مثنوی شرح‌های زیادی دارد ولی جوانان روزگار ما این شرح‌ها را درک و فهم نمی‌کنند. بدین سبب باید مثنوی را بر مبنای علم و فهم و زبان روزگار ما ترجمه و شرح کرد. وی به همین خاطر تمام مثنوی را شرح کرده است. او در شرح خود به ترجمه یکایک ابیات پرداخته است، بلکه معنی حکایت‌ها را خلاصه کرده، آنها را از یکدیگر جدا کرده و ترتیب داده است؛ بدینسان مثنوی را به شکل ساده و واضح ارائه کرده و آن را «لُبّ مثنوی» نام نهاده است. این اثر در سال ۱۹۶۱ به چاپ رسید.^{۱۸}

در آناتولی آخرین شرح کامل مثنوی را «عبدالباقی گولپینارلی» تألیف کرده و وزارت آموزش و پرورش ترکیه شرح وی را در شش جلد، نخستین بار در سال ۱۹۷۲ و دومین بار در سال ۱۹۸۵ چاپ کرده است.

16. Atilla Senturk, Tahiri'l-Mevlevî Hayati ve Eserleri, Istanbul 1991, s. 93.

17. Tahiri'i-Mevlevî, Serh-i Mesnevî, Istanbul ty, s. 15.

18. نک. İsmail Güleç, همانجا.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی